

پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

ما اطمینان داریم که مبارزه متحده، یکپارچه و منسجم توده های میلیونی مردم، خصوصاً کارگران و زحمتکشان که جرخ های اقتصادی کشور را به حرکت در می آورند، توان در هم شکستن نظام استبدادی حاکم را دارد. باید برای سازماندهی چین مبارزه منسجم و هماهنگی، دست در دست هم، راه ایجاد ائتلاف وسیع و فراگیر همه نیروهای آزادیخواه و میهن دوست را هموار کنیم و خود را برای نبرد نهایی آماده سازیم. حزب توده ایران در این شرایط دشوار و حساس، در کنار توده های زنج و زحمت و در کنار همه کسانی است که برای رهایی میهن از چنگال رژیم "ولایت فقیه" مبارزه می کنند.

پیروزی های بزرگ و سرنوشت ساز در نبرد بی امام مردم در بندمان علیه رژیم استبدادی و ظالم "ولایت فقیه" باشد.

سالی که گذشت، یکی از دشوار ترین و پررنج ترین سال های زندگی مردم در شرایط حکومت جمهوری اسلامی بود. ادامه اختناق و سرکوب، در ادامه در ص ۲

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن نوروز، جشن فرخنده و دیربای ایرانیان، عید غله کاوه آهنگر بر صحابک، و جشن پیروزی آزادی بر ستم را به هم میهنان گرامی، خصوصاً کارگران و زحمتکشان که در زیر بار توانفرسای شرایط اجتماعی - اقتصادی سالی دشوار را پشت سر گذارند، تبریک می گوید و امیدوار است که سال نو، سال



ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۳۴، دوره هشتم
سال دهم، ۲۴ اسفند ۱۳۷۲

اعتراضی جسورانه در دل ظلمت استبداد

خبر کوتاه بود. دکتر هما دارابی، استاد دانشگاه و روانشناس کودکان، روز دوشنبه دوم اسفند ماه در اعتراض به ستمی که رژیم علیه او و اکثریت مردم میهن مان، خصوصاً زنان کشورمان اعمال می کند، اقدام به خودسوزی کرد.
بر اساس گزارش های رسیده از سوی حزب ملت ایران، دکتر دارابی در سال تحصیلی ۱۳۶۹-۱۳۷۰ به دست گردانندگان واپسگرای دانشگاه از کار استادی، که بدان عشق می ورزید بر کنار شدو علی رغم مبارزه و تلاش های پیگیر نتوانست به کار خود بازگردد. بر اساس همین گزارش ها دکتر هما دارابی که در سال ۱۳۶۹ در تهران متولد شده بود، از سال ۱۳۳۹ در فعالیت های سیاسی شرکت داشته و در اسفند ماه ۱۳۳۹، به زندان افتاده است.

ادامه در ص ۲

جهان در دفاع از مردم فلسطین تعهد دارد

... این که حمله آورندگان به نمازگزاران برای مدت ۱۵ دقیقه بدون هیچ مداخله ای از سوی نیروهای ارتشی که در جلوی مسجد مستقر بوده اند به تیراندازی خود ادامه داده اند، و یا گزارشات شاهدان عینی مبنی بر اینکه برخی از قربانیان فاجعه در هنگام فرار از قتلگاه بر اثر تیراندازی سربازان اسرائیلی کشته شده اند، شکی باقی نمی گذارد که محافل وسیع تری در این جنایت دست داشته اند.

آورندگان به نمازگزاران برای مدت ۱۵ دقیقه بدون هیچ مداخله ای از سوی نیروهای ارتشی که در جلوی مسجد مستقر بوده اند به تیراندازی خود ادامه داده اند، و یا گزارشات شاهدان عینی مبنی بر اینکه برخی از قربانیان فاجعه در هنگام فرار از قتلگاه بر اثر تیراندازی سربازان اسرائیلی کشته شده اند، شکی باقی نمی گذارد که محافل وسیع تری در این جنایت دست داشته اند. یا سر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرده است که سربازان اسرائیلی در فاجعه شرکت داشته اند. سوال های مطرحه از سوی هیئت های بررسی و تحقیق در مورد این جنایت هولناک از این در حالی است که بسیاری از شواهد بر دست داشتن نظامیان اسرائیل و نیز گروه های مشکل افراطیون صهیونیست در این قتل عام از قبل طرح ریزی شده، دلالت دارند. این که حمله

ادامه در ص ۲

در دیگر صفحات :

اعتراض عمومی پیشه و ران منطقه
شمیران نو - تهران ص ۲

دیدار هیئت های رهبری حزب کمونیست
عراق و حزب توده ایران ص ۸

فراخوان همبستگی با مردم
آفریقای جنوبی ص ۷

آزموده را آزمودن خطاست

- از همان فردا یورش، روشن گردید کسانیکه سال ها با چاپلوسی و تملق و با اتکا به کاستی های تشكیلاتی، خود را در ارگان های حزبی جای داده بودند مترصد هستند تا از فرصت بدست آمده برای بدست گرفتن اهرم های رهبری حزب سو استفاده کنند.

- معجون نامیمون طرفداران "سرمایه داری با چهره دموکراتیک" و "سیاست خط امام" که قرار بود حزب توده ایران را "بازسازی" کند، حتی نتوانست بر سر انتشار یک نشریه با هم صفحات ۴ و ۵ به توافق برسد.

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

جهان در دفاع...

نفر در بازار ساراییو که گروه تحقیق سازمان ملل نتوانست مقصو را قمی آن را تعیین کند (گرجه بدون هیچ شاهدی، رسانه های گروهی صرب ها را مقصو دانستند) جامعه بین المللی مداخله کرد و سربازان واپسی به سازمان ملل دو طرف مخاصمه را از یکدیگر جدا کردند؟

چرا در قبال کشان مسجد هبرون پاسخ مشابهی اتخاذ نشد؟ تعداد کشته شدگان باهم قابل مقایسه بودند. در این مرد، مقصو کاملاً مشخص و قابل شناسایی بود: فنازیک های صهیونیست شهرک های یهودی نشین. این نیز سری نیست که شهرک های یهودی نشین مملو از اسلحه هستند و ساکنان فنازیک آن ها در شهرهایی مثل هبرون با اسلحه های خودکارشان رفت و آمد می کنند. چرا آن ها ناید همگی خلع سلاح بشوند؟ چرا این پرسوه نباید توسط یک نیروی بیطرف سازمان ملل که می تواند هم برای تضمین امنیت فلسطینی ها و هم کنترل گردد؟

آیا دلیل این نیست که اسرائیل یک متعدد دیرین ایالات متحده در خاور میانه است؟ ایالات متعدد هم اکنون از طریق اسرائیل در خاور میانه حضور دارد، در حالی که در شبه جزیره بالکان در جستجوی فرستی است که جایپای برای خود پیدا کند. آیا این به این معنی نیست آنچه که به نفع ایالات متعدد است، تعیین کننده می باشد؟ استقرار نیروهای بی طرف سازمان ملل در مناطق اشغالی برای نظارت بر پرسوه تحمل این اراضی و تحويل آن به صاحبان فلسطینی اش یک راه حل می باشد. ممکن است اسرائیل مدعی شود که به نیروهای سازمان ملل اجازه نخواهد داد تا در نوار غزه و کرانه غربی مستقر شوند چرا که به ادعای او این مناطق بخشی از قلمرو آن هستند. این خود به روشنی نمایشگر تاخت و غرور طرف مت加وز می باشد. نوار غزه و کرانه غربی رود اردن مناطق اشغالی هستند. آن ها به فلسطینی ها تعلق دارند و باید نهایتاً بخش هایی از یک کشور مستقل عربی فلسطینی را تشکیل دهند. این در تطابق با تصمیمات و قطعنامه های سازمان ملل است. جهان باید به خودسری های دولت صهیونیستی پاسخی قاطع و مناسب بدهد.

نمایشگر تسلیم کردن پرسوه صلح به ترویسم می باشد. قبول این که دولت اسرائیل کنترل گروه های افراطی صهیونیست را به عهده خواهد گرفت، از سوی ساف یک باور ساده لوحانه بوده است که به پرستیز و نفوذ رهبری جنبش خلق فلسطین صدمات جدی زده است. افراطیون مسلمان گروه حماس به یا سر عرفات اخطار کرده اند که او یا گفتگوهای صلح را کنار بگذارد و یا آماده «پرداخت بهای» آن باشد.

از سوی دیگر فاجعه هبرون جامعه بین الملل را در مقابل وجودان بشری قرار می دهد. طراحان «نظم نوین جهانی» مدعی بوده اند که بدنبال یک قطبی شدن جهان دیگر امکان تحصیل یک صلح دائمی و پایدار بین فلسطینی ها و دولت اسرائیل فراهم شده است. ولی در عمل قرارداد صلح اعضا شده بدنبال بیش از ۱۱ دوره مذاکره در ۲ سال، بسیاری از مسایل بنیادی مورد درخواست خلق فلسطین را بی پاسخ گذارده است. به جای بازگرداندن سرزمین های اشغالی و اعاده حق حاکمیت به خلق فلسطین برای تعیین سرنوشت خود، در مفاد موافقنامه یک خودگردانی بسیار محدود و قابل بازگشت پیش یین شده است که بیشتر معنای جایجایی جغایایی نیروهای اسرائیلی در مناطق اشغالی را دارد تا تخلیه آن ها از مناطق فلسطینی. موافقنامه عملاً در جهت خاموش کردن آتش اتفاقه و مبارزه مردم فلسطین و ایجاد انشقاق و ابهام در صفوی خلق فلسطین عمل نمود و بسیاری بدرستی مطرح می کردد که موافقنامه «غره- اریحا» هیچگونه تضمینی را برای امنیت خلق فلسطین بوجود آورد. است. دولت اسرائیل برای پیاده شدن این طرح محدود «خود مختاری» نیز قدم به قدم مشگل آفرینی کرد. این در عمل هم به نیروهای افراطی حماس و هم به صهیونیست ها امکان داد که مبارزه تبلیغاتی خود را علیه هرگونه تواافقی شدت بخشنده. ایالات متعدد و کشورهای بانفوذ غربی از هرگونه انتقادی نسبت به عمل کرد اسرائیل خودداری کردد. ولی بدنبال فاجعه هبرون اکنون زمان آن رسیده است که به سیاست یک بام و دو هوا در سیاستگذاری بین الملل خاتمه داده شود. بی عملی سازمان ملل و تعلل سورای امنیت در محکوم کردن عاملان این فاجعه حقیقتاً شرم آور است. چطور است که بلا فاصله پس از کشان ۶۷

قبيل: آیا گولد استاین به تهایی عمل کرده و یا این که همدستانی داشته است؟ آیا او در حمله خود از نارنجک استفاده کرده است، یا نه؟ چرا که او فقط ۱۱۸ گله شلیک کرده است ولی موفق به کشتن و زخمی کردن ۱۵۰ نفر شده است، چرا که او سربازان اسرائیلی هیچ عملی در متوقف کردن او انجام ندادند؟ چه تعداد فلسطینی در داخل و یا خارج از مسجد توسط سربازان اسرائیلی کشته شدند؟ همه شواهد بر نظراتی که این فاجعه نتیجه عملکرد برنامه ریزی شده یک ارگان با نفوذ و قادرمند صهیونیستی بوده است، صحنه می گذراند.

پس از این حادثه ارتش اسرائیل به عوض این که در جهت اعمال محدودیت و شدت عمل عليه صهیونیست های شهرک های یهودی نشین در هبرون و دیگر مناطق اشغالی عمل نموده و با مناطق فلسطینی حکومت نظامی اعلام نموده و با گله و گاز اشک آور به مقابله با عزاداران شهدای مسجد ابراهیم برخاسته است، بر احتمال صحبت این باور عمومی می افزاید.

اصرار محافل اسرائیلی که مقصو یک فرد بوده است متوجه کتمان واقعیت زندگی در مناطق اشغالی است. هزاران «دیوانه» مسلح و متشکل شیبیه به گوله استاین در اسرائیل و مناطق اشغالی آزادانه در ترد هستند. تشویق دولت های متابوب اسرائیلی در صهیونیست های فنازیک این اعتقاد را به وجود آورده است که آن ها حقیقی انحصاری و خدادادی بر این سرزمین ها و زندگی در آن جا دارند. آن ها مصونیت دارند که با جنگ افزارهای مدرن آزادانه به هر جایی که می خواهند بروند و در میان مردم فلسطینی وحشت ایجاد کنند. نظامیان اسرائیلی موظف هستند که بدون توجه به عوایق انسانی و اخلاقی از اهالی شهرک های یهودی نشین در اراضی اشغالی دفاع نمایند. یکی از ضعف های عمدۀ موافقنامه «غره- اریحا» بین ساف و اسرائیل درست همین مثاله بود که هیچگونه راه حلی برای پایان دادن به استقرار شهرک های یهودی نشپن پیش یین نکرده بود. این که همزمان با یاهو و جنجال تبلیغاتی در مورد موافقنامه، وزرای اسرائیلی وظیفه خود می دانستند که به هر مناسبتی به صهیونیست های ساکن شهرک های اعراب برای تبدیل به شهرک های یهودی نشین جدید ادامه پیدا می کند، خود افشاگر نقاط ضعف و غیر اصولی بودن قرارداد ساف و اسرائیل بود که در ۵ ماه گذشته هیچگاه قادر نشد نوبت صلحی پایدار برای فلسطینی های مناطق اشغالی بیاورد.

ادعای دولت اسرائیل که هیچ تواافقی جز از مجرای قابل قبول بودن آن برای نیروهای مأموری راست شانس پیروزی ندارد، عمل

اعتراضی جسورانه...

خدوسوزی دکتر هما دارابی، اعتراضی است جسورانه در دل ظلمت استبداد. صدای فربادی است علیه سرکوب و حشیانه حقوق زنان، علیه بی قانونی، سرکوب و جنایت که بدست حکومت «ولايت فقهی» در حق اکثریت مردم کشورمان روا می شود.

ما ضمن ابراز همدردی با خانواده نزدیکان و دوستان دکتر هما دارابی اطمینان داریم که دیر یا زود آتش خشم توده های جان به لب رسیده طومار این حکومت ظالم را در هم خواهد نوردید و نام و خاطره دکتر دارابی برای همیشه در یاد همه کسانی که به ایران و آزادی ایران می اندیشند باقی خواهد ماند.

کند که با اتکا به نیروهای مسلح خود خواهد توانست در صورت یک انفجار اجتماعی فرگیر خود را حفظ کند. تجربه انقلاب بهمن و اعتراض و اعتصاب یکپارچه میلیون‌ها ایرانی، که تمامی دستگاه اداری - اجرایی نظام سلطنت و "بزرگترین" و "مجهزترین" ارتش منطقه، ارتشی که شاه دهها میلیارد دلار خرج آن کرده بود، را کاملاً فلخت کرد و در مدت کوتاهی بساط آنرا در هم پیچید، نشان داد که با زور اسلحه نمی‌توان سیل خروشان قیام خلق را سد کرد.

هم میهنان عزیز!

ما اطمینان داریم که مبارزه متعدد، یکپارچه و منسجم توده‌های میلیونی مردم، خصوصاً کارگران و زحمتکشان که چرخ‌های اقتصادی کشور را به حرکت در می‌آورند، توان در هم شکستن نظام استبدادی حاکم را دارد. باید برای سازماندهی چنین مبارزه منسجم و هماهنگی، دست در دست هم، راه ایجاد ائتلاف وسیع و فرگیر همه نیروهای آزادیخواه و میهن دوست را هموار کنیم و خود را برای نبرد نهایی آماده سازیم. حزب توده ایران در این شرایط دشوار و حساس، در کنار توده‌های رنج و وزحم و در کنار همه کسانی است که برای رهایی میهن از چنگال رژیم "ولایت فقیه" مبارزه می‌کنند. بیاید دست در دست هم، با تجدید عهد با آرمان‌های فنا ناپذیر همه شیه‌دان جنس و عزم حمامی همه زندانیان سیاسی به پیشواز نوروز و بهار برویم و خود را برای آینده ای رهای از ظلم و استبداد، آینده ای که در آن شکوفه‌های آزادی بار دیگر وطن عزیزان را غرق در شادی و سور و کند، آماده سازیم. عیدتان مبارک و نوروزتان پیروز باد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۷۲ اسفند

اعتراض عمومی پیشه وران منطقه شمیران نو - تهران

یکشنبه، پانزدهم اسفند ماه در بی جمع شدن تعدادی از مردم خشمگین از اوضاع نابسامان اقتصادی کشور در چهار راه گلوبندک تهران و پیوستن تدریجی شمار بسیاری از مردم عصیان زده به جمع اعتراض کنندگان، تظاهرات خشماگین گسترده ای در چهارراه گلوبندک در برابر اداره رادیو رخ داد که در جریان آن شعارهای تندی علیه سردمداران حاکم داده شد.

به موجب گزارش شاهدان عینی، گستردگی این تظاهرات به گونه ای بود که حدود ساعت سیزده و سی دقیقه حداقل شش اتمبیل حامل گماشتنگان امنیتی جمهوری اسلامی وارد صحنه شده و پس از لحظاتی به سوی تظاهرکنندگان یورش برداشت.

بی ثباتی اقتصادی، سیاسی و ناامنی‌های اجتماعی اوج گیرنده، به تجربه تاریخی نشانگر پدید آمدن شرایط عینی و ذهنی لازم برای ایجاد تغییرات اساسی در ساختار حکومتی جامعه است. توده‌ها به تجربه روزمره خود در می‌یابند که جمهوری اسلامی و سران آن نه توان آن را دارند و نه خواهان آنند که کوچکترین تغییری در حیات جامعه به نفع اکثریت مردم ایجاد کنند. تنها خوابست و هدف گروه حاکم ادامه حکومت به هر قیمتی حتی نابودی کامل کشور و ریختن خون ده ها هزار انسان دیگر است. سرکوب خوین اعترافات وسیع مردم بلوچستان و بسیج ده‌ها عبارت دیگر اماده شدن برای سرکوب خوین اعترافات وسیعی که در پیش خواهد بود، برنامه گروه حاکم برای رفع بحران کنونی است. رژیم جمهوری اسلامی امیدوار است که با اتکا به ضعف نیروهای مخالف و چند دستگی‌های موجود و ناامید کردن مردم از یک آتنوناتیو دموکراتیک و واقعی بتواند بحران کنونی را پشت سر گذارد و دورانی بی ثباتی را سپری کند.

به گمان ما تفاوت بحران کنونی با دشواری‌های که رژیم قلا با آن دست به گیریان بوده است در ویژگی شرایط اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی می‌باشد، که رژیم با آن روبرو است. اگر بحران‌های گذشته مانند دوران پس از مرگ خمینی و اوجگیری برخوردهای درونی حاکمیت همگی ماهیت سیاسی داشتند و اثر کمتری در زندگی روزمره مردم می‌گذاشتند، بحران اخیر، از آنجاییکه ماهیت اقتصادی دارد، حیات تامی جامعه را تحت تاثیر قرار داده است و ابعاد وسیعی به خود گرفته است. در شرایطی که بیش از نیمی از مردم در فقر و محرومیت بسیاری بزند و اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌ها حتی به زحمت اجاره مسکن خود را تامین کنند، هرگونه فشار اضافی جامعه را در شرایط افجاری نیرومندی قرار می‌دهد. رژیم بیهوده خیال می‌

پیام نوروزی ...

کنار فشارهای روزافزون اقتصادی - اجتماعی، چنان شرایط طاقت فرسایی را پدید آورد که در تاریخ معاصر کشور ما کم سابقه بوده است. گرانی و حشتناک، سقوط شدید قدرت خرید مردم، بیکاری میلیونی نسل جوان کشور، نبود حداقل امکانات تامین اجتماعی برای اکثریت محروم و فسادی سایه دستگاه‌های اداری، بی قانونی و بی‌بود امنیت، زندگی در جمهوری اسلامی را برای میلیون‌ها ایرانی به کابوس هولناکی بدل کرده است که خلاصی از آن عاجل ترین و بمترین وظیفه همه کسانی است که به آزادی و رهایی میهن مان می‌اندشنند.

ورشکستگی کامل اقتصاد "اسلامی" دولت در ماههای اخیر با سقوط ارزش برابری ریال در مقابل ارزهای خارجی به میزان ۶۰٪، که تاثیر فوری و مخرب در سقوط قدرت خرید میلیون‌ها انسان دارد، در کنار کسری درآمد دولتی که امسال با سقوط قیمت نفت سرمه میلیاردها دلار خواهد زد، رژیم را در تنگی‌ای بسیار دشواری قرار داده است. بسیاری از مراکز و واحدهای تولیدی کشور در خط بسته شدن قرار دارند و دولت قادر نیست بسیاری از نیازهای ارزی واحدهای تولیدی کشور را براورده سازد.

حتی سران رژیم هم نمی‌توانند این حقیقت را پنهان کنند که ادامه شرایط کنونی در طولانی مدت امکان پذیر نیست. ناامنی‌های اجتماعی، اعتراضات پراکنده ولی رشد یابنده مردم در گوش و کنار کشور، که گاه تا حد برخوردهای مسلحه بروز پیدا می‌کند، در کنار تشدید برخورد ها و تنشهای در درون حاکمیت جمهوری اسلامی، حاکی از نضج گیری شرایط نوینی در کشور ماست. کمترکسی را می‌توان یافت، حتی در میان طرفداران نظام "اسلامی" که خواهان تغییر شرایط و استقرار آزادی، قانونیت، امنیت و عدالت در جامعه نباشد.

دیدار هیئت نمایندگی ...

نماینده هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب نیز مقابلاً ضمن اشاره به برگزاری پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، یادآور گردید که برگزاری سومین کنگره حزب توده ایران، نقطه عطفی در روند بازسازی حزب پس از یورش جنایتکارانه جمهوری اسلامی به حزب ما بود، و در ادامه این روند برگزاری سومین پلنوم کمیته مرکزی و انتشار "منتشر آزادی" گام استوار دیگری در راه انسجام تشکلاتی و سیاسی حزب و درین حال طرح برنامه واقع بینانه ای برای ریزی یک ائتلاف وسیع و دموکراتیک از تمامی نیروهای آزادیخواه کشور بوده است. نماینده هیئت اجرایی در این دیدار رفاقت ایرانی را با نظرات حزب پیرامون نیروهای مختلف ایرانی آشنا نمود و طرفین بر ضرورت همکاری‌های هرچه بیشتر میان نیروهای آزادیخواه در منطقه، خصوصاً نیروهای کمونیست تاکید کردند. مسئله حقوق خلق‌ها، خصوصاً مسئله مبارزات خلق گرد از جمله مسائل مهم دیگری بود که مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. دیدار میان هیئت‌های رهبری حزب کمونیست عراق و حزب توده ایران گام مهمی در راه تحکیم و گسترش روابط میان دو حزب برادر در منطقه بود. و طرفین توافق کردند که گام‌های عملی لازم برای بسط هرچه بیشتر این روابط سازماندهی گردد.

آزموده را آزمودن خطاست

"... خلیل ملکی یک حادثه تصادقی نیست. فرجام او تقدیر همه آن جان های تیره ای است که با بليط تقليبي سوار بر کوپه اي شده اند که مسافران آن رژمندگان راه طبقه کارگردند. مکر پيش از ملکی و پس ازاو "اپریم" ها، "نیکخواه" ها، "لاشای" ها، "کشاورز" ها که از همین راه رلتند، از همان ناکجا آباد سر درنهاور دند؟ "فاسمي" ها، "فروتن" ها و دیگران نظير آن ها که در سودای بهشت كمشده از صفو حزب توده ايران جدا شدند، مکر به اسفل السالقين تاریخ در نظرنیدند؟ مبارزات ایدئولوژیک حزب توده ايران با این یاران نیمه راه، واژه ها، نمرین شدگان سیاسی، ... از سطور درخشان و غرور آفرین کارنامه حزب طبقه کارگر ايران است...".

(وقعیت شنیده و حضاق های قی - حیدر مهربانی)

تا پس از سال ها برخوردهای مخرب درونی صفو خود را منجم سازد، ارگان های مطبوعاتی خود را بازسازی کرد و به مبارزه اصلی در عرصه مضلات ویرانگر میهنمان روح و روانی تازه بدمند. سرنوشت تلح و مفتضح تمامی این مدعیان دروغین و در غلتين آنکه آنان به مغلاب خود توده ای در سال های گذشته تجربه با ارزشی برای نسل کوئی و نسل های آینده مبارزانی است که گام در این راه می نهند.

با آغاز يورش رژیم به حزب ما در واقع نقشه حساب شده و همه جانبه ای برای نابودی کهنه ترین سازمان سیاسی میهن ما، حزب کارگران و زحمتکشان ایران به کار آنداخته شد. نخستین مرحله این يورش نابودی فیزیکی و معنوی بخش وسیعی از کادرهای برسته و رهبری حزب ما بود. "شوهای" تلویزیونی و به نمایش گذاشتن چهره های درهم شکته انسان های مبارزی که از احترام وسیعی در میان خلق و تیره های آزادیخواه کشورمان برخودار بودند، شلیک نخستین تیر ارجاع و امپریالیسم در مرحله نوبنی از توپه برای درهم شکستن حزب توده ایران بود. پخش شایعه و اخبار جعلی پیرامون "خیانت" آنکه رهبری حزب در درون و بیرون از زندان، در حالیکه تنها عده انگشت شماری از خود ضعف نشان دادند و یا به خیانت علیه حزب تن در دادند. تشکیل سازمان، کمیته، پخش اعلامیه بنام حزب و فعالیت شدید ارگان های امنیتی برای بدام آنداختن توده ای های دستگیر نشده و دامن زدن به بدینی و سوه ظن خصوصاً به رهبری و جلوگیری از هرگونه اقدامی برای بازسازی حزب در بی این ضریب سهمگین، مرحله بعدی حمله به حزب را تشکیل می داد. با اعلام تشکیل نهادهای رهبری حزب در خارج از کشور رژیم خیلی زود متوجه شد که نخستین رگبارش ثمره لازم را نداشته است و باید چاره دیگری اندیشید. رژیم خوب می دانست که با دستگیری بخش بزرگی از رهبری کار بازسازی و تجدید سازمان ارگانهای حزبی در شرایط مهاجرت بزرگ اعضاء و کادرها به خارج از کشور کار شاق و دشوار است که اگر با شکست روپرور گردد، ادامه حیات حزب را با خطر جدی روپرور خواهد ساخت. برنامه ریزی برای انفجار حزب از درون و بازگردان حساب به روی افراد فرست طلب، مقام پرست و بی اعتقاد پیشک یکی از امیدواریهای رژیم برای تحقق این برنامه شوم بود.

از همان فردای يورش، روش گردید کسانیکه سال ها با چاپلوسی و تملق و با اتكا به کاستی های تشکیلاتی، خود را در ارگان های حزبی جای داده بودند مترصد هستند تا از فرصت بدست آمده برای بدست گرفتن اهرم های رهبری حزب سوه استفاده کنند. نخستین تنش ها در شکل گیری ارگان رهبری حزب خود را بروز داد و مسئله ادامه بدون چون و چراي سياست "دفاع از خط امام حتی اگر از روی جسد ما رد شوند" در مقابل خط ضرورت بازنگری و اتخاذ سياست نوبنی متناسب با شرایط از سوی نخستین گروه از مدعیان حزب، یعنی با یک امير خسروی و شرکا مطرح گردید. این افراد با فرست طلبی کم نظری امیدوار بودند، با فربت توده های حزبی خود را تهبا ادامه دهنگان راستین خط رهبری بازداشت شده حزب وانمود کنند و ارگان های رهبری را بدست بگیرند. (آنها در همان دوران، در نشست مسئولان و کادرهای حزبی که در آلمان برگزار گردید رفاقتی را که خواهان تغییر سياست و موضعگیری در مقابل رژیم بودند، و خمینی را با نمیری در سودان و سادات در مصر مقایسه می کردند، سرزنش می کرد، که: "شما امام را خوب نشناخته اید و دستگیری رهبری حزب سیاست امام برای مقابله و در هم کوبیدن جناح راست است!").

یازده سال از يورش خونین و سهمگین جمهوری اسلامی برای نابودی حزب توده ایران می گزرد. یازده سال پر فراز و نشیب و طوفانی در تاریخ حزب ما با دشواری های سنگین، با اندوهی عظیم به خاطر از دست دادن گروهی از بهترین فرزندان دلاور حزب، با رنج ها و دردهای بسیار سپری شده است. اغراق نخواهد بود اگر مدعی شوم که یازده سال گذشته دشوار ترین دوران و آزمون های حزب ما در طول تمامی تاریخ آن بوده است. از یک سو رژیم ددمتش و جنایتکار، کشتار وسیعی از اعضاء، هواداران و رهبران برجهت حزب را سازماندهی کرد، و هزاران تن از اعضای حزب را روانه سیاهچالهای قرون وسطانی کرد و یا به مهاجرت اجباری و دار نمود، و از سوی دیگر تحولات شگرفی سرتاسر جنبش کارگری و کمونیستی جهان را فراگرفت، و نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی فروپاشید. بلندگو های سرمایه داری، تیوری پردازان "نظام نوین جهانی"، و فرست طلبانی که یکشیه باورهای خود را به دور آنداخته و دنیای "نوبنی" را کشف کرده بودند، حزب ما را تمام شده و در حال اضمحلال قطعی اعلام کردند و "داهیانه" پیش بینی کردند که با فروپاشی اتحاد شوروی احزابی مانند حزب توده ایران همچمون "نسل دایناسورها" از جهان برچیده خواهد شد. مسابقه مضحکی برای پیوستن به "سویال دموکراسی" و "سرمایه داری" با چهره انسانی و دموکراتیک "آغاز گردید و بسیاری از افراد، "شخصیت ها" و سازمان ها و گروه ها به این کاروان پیوستند. اندیشه های مارکس، انگلیس و لینین شکسته خورد و رسالت آنان پایان یافته اعلام گردید و سرمایه داری یگانه راه بشریت برای پیشرفت و تکامل اعلام شد. ولی خیلی زودتر از آنچه که حضرات تصور آن را می کردند "نظم نوبن جهانی" همچون جایی در صورت آنات ترکید و سیمای که سرمایه داری در اشکال مختلف جنگ های داخلی، فقر و محرومیت و استثمار وحشیانه ای که تصور آن نمی رفت، چهره واقعی خود را به نمایش گذاشت و روشن شد که برخلاف تصور آنان نه تنها "مبازه طبقاتی" به پایان نرسیده است، بلکه باشد و حدت کم ساقبه ای ادامه دارد و روند آرام، ویر فراز و نشیب، ولی قطعی حرکت بشریت برای رهایی از این نظام غیر عادلانه و غیر انسانی به سمت یک صورتندی اجتماعی - اقتصادی کامل تر همچنان در جریان است. حزب توده ایران در تمامی این گرددابهای سهمگین و فشارهایی که برای تحمیل "دگرگونسازی" ، "علیتی" ، "نوسازی" و "بازسازی" به آن وارد آورده است، نه تنها از راه درست و اصولی خود منحرف شد، بلکه با بررسی علل این شکست ها، کمودها در جریان ساختمان سوسیالیسم و مسائله متنج از آن، و درک این حقیقت که شکست های مقطعي به مفهوم پایان راه نیست، کار دشوار بازسازی تشکیلاتی، سیاسی و نظری خود را با موفقیت به پیش برد و از این آزمون دشوار سریلنند بیرون آمد. در جریان این سال های طوفانی گروهی صادقانه و با روشنی انسانی ادامه کار در صفو حزب را دشوار دیدند و راه خود را از راه حزب توده ایران جدا کردند. از دست دادن چین افراد صادقی بیشک مایه تاسف بسیار است و ماصمیمانه امیدواریم که بسیاری از این افراد به صفو حزب بازگردند. گروهی نیز با تغییر اوضاع ماهیت واقعی خود را به نمایش گذارند و تلاش کردن با موساسته از دشواری ها، حزب را از مبارزه خود منحرف کنند. هوشیاری آنکه رفاقت رفاقت و سازمان های حزبی، خصوصاً رفاقتی توده ای در ایران این برنامه را با شکست کامل روپرور کرد و با برگزاری موقعيت آمیز و دموکراتیک سومین کنگره حزب توده ایران در بهمن ماه سال ۱۳۷۰، مدعیان دروغین و فرست طلب از صفو حزب رانده شدند و حزب فرست یافت

گام مهمی در این راه برداشته شد. از همان نخستین روزها، تلاشی منسجم و سازمان یافته‌ای برای تلاش این روند، با استفاده از انواع و اقسام بهانه‌های سازماندهی شد. گروهی به بهانه دفاع از "دموکراسی" مخالفت خود را برگزاری کنگره اعلام کردند و در واقع خواهان ادامه همان وضع سابق و حل و فصل مسائل در "کلوب" اختصاصی خود بودند. این خواست در نشست نمایندگان تعاملی سازمان‌های حزبی در خارج از کشور که با حضور نمایندگان این افراد نیز برگزار گردید، با قاطعیت کامل نفی شد و اکثریت قاطع سازمان‌ها و رفقاء حزبی در خارج و مجموعه رفقاء داخل کشور بر ادامه روند تدارک و برگزاری کنگره حزب پای فشاری کردند. تهدید، تهمت و دروغ پراکنی پیرامون روند برگزاری آن به کار گرفته شد و مطرب و پوسیده‌ای بود که برای جلوگیری از برگزاری کامل رفقاء حزبی با شکست کامل روبرو گردید. برگزاری موقوفیت آمیز و کاملاً دموکراتیک سومین کنگره حزب و کیفیت بالای اسناد مصوب آن، از جمله برنامه و اساسنامه نوین حزب پاسخ شایسته‌ای به مدعیان و یاوه گویانی بود که در مقابل این روند ایستاده بودند. حرکت موقوفیت آمیز حزب پس از برگزاری این کنگره تا برگزاری موقوفیت آمیز سومین پلنوم کمیته مرکزی و انتشار "منشور آزادی" به متابه برنامه‌ای برای ائتلاف همه نیروهای آزادیخواه و دموکراتیک، بهترین گواه موقوفیت ما و شکست مدعیان دروغین حزب ماست.

تلاش بعدی این نیروها در بی‌اعتبار جلوه دادن کنگره حزب، و جمع شدن آنها که توسط دست اندکاران روزنامه "کار" به نام "نشست کمیته مرکزی حزب" معروف گردید، به شکل مقتضاهانه‌ای با شکست روپوشد. معجون نامیمون طرفداران "سرمایه داری با چهره دموکراتیک" و "سیاست خط امام" که قرار بود حزب تode ایران را "بازسازی" کند، حتی نتوانست بر سر انتشار یک نشریه با هم به توافق برسد. انتشار دو شماره "پیام فردا" در دو سال و چند شماره "راه تode" حاصل تلاش ورشکته است که باره‌ها در طول تاریخ پرتلاطم حزب تode ای ما آزموده شده است. برای دانستن ماهیت این افراد کافی است اشاره شود، که برخی از آنان، از جمله دست اندکاران نشریه "راه تode" مصر بودند، بدون آنکه از سوی هیچ ارگان و یا حزبه‌ای انتخاب شوند، در کنگره حزب حضور یابند. سومین کنگره حزب از آن زمان برای حضرات غیر قانونی شد که آنها حتی نتوانستند در حوزه‌های خود به عنوان نماینده انتخاب شوند. مشکل این افراد به اعتراف صریح خودشان نه برنامه و اساسنامه و سایر اسناد سیاسی مصوب کنگره، که قرار نگرفتن آنان در جاهای مورد نظرشان در حزب بوده است.

حزب تode ایران علی رغم همه جاروچنگاهای معامله گرایانه به مبارزه پیگیر خود در راه بهروزی زحمتکشان کشورمان ادامه می‌دهد. بازسازی ارگان‌های رهبری حزب، انتشار دویاره مجله "دینا" و نشریه "مسایل بین الملل"، بازسازی روابط بین المللی با احزاب برادر، و انعکاس آن در شکل پیام‌های تبریک پنجاه و دومنی سالگرد حزب تode ایران از سوی ده‌ها حزب کارگری و کمونیستی سراسرجهان، به کمیته مرکزی حزب در کنار فعالیت‌های وسیع سازمان‌های حزبی برای افسای رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی و سازماندهی کارزار بین المللی برای رعایت حقوق بشر در ایران و مهتمت از همه مبارزه قهرمانانه تode ای ها در درون کشور در تکثیر و پخش ارگان مرکزی حزب و در اهتزاز نگاهداشت پرچم خونین مبارزه، پاسخ دندان شکن تode ای ها به همه کسانی است که قصد شبیخون برکاروان رزم‌دگان تode ای به کمین می‌شیند.

می‌گویند: "هر اساسی که نه بر راستی نهی، استوار نماند." حکایت مدعیان دورغین حزب ما نیز چنین است. اتفاقی نیست که در طول قرب پنجاه و سه سال تاریخ مبارزات حزب تode ایران، اثربار از مدعیان، منشعبین، طرد شدگان و وازدگان از حزب ما باقی نمانده است و تمامی آنان در گردوبار حوادث سیاسی محظوظ نابود گردیده اند و آنچه که بر جای مانده است حزب تode ایران، حزب رزم‌دگان راستین زحمتکشان و کارگران کشور ماست. مساله این که چگونه می‌توان تاریخ را به وجود آورده، مساله دانستن درس‌های تاریخ است. همیشه هستند و خواهند بود کسانی که از تجربه تاریخ هیچ نیاموخته اند و آزموده را بازهم می‌آزمایند.

این سیاست فرصلت طبلانه خیلی زود با برگزاری موقوفیت آمیز ۱۸-مین پلنوم کمیته مرکزی حزب تode ایران و بازسازی ارگان‌های رهبری حزب با شکست کامل روبرو گردید. پرچم "بازسازی" و "نوسازی" حضرات خیلی زود جای خود را به بازکردن دستگاهی مستقل از حزب، "حزب دمکراتیک مردم ایران" و انتشار "راه ارانی" در مقابله با ارگان‌های حزبی داد. انتشار دهنده‌گان "راه ارانی" پس از مدتی کوتاه به این نتیجه "مه" رسیدند که حزب تode ایران حقانیت تاریخی خود را از دست داده است و باید راه دیگری را پیمود. "راه ارانی" جای خود را به "راه آزادی" نیز جای خود را به "راه سرمایه داری" بدهد. اجازه انتشار علی نظرات امیر خسروی در شریعت مجاز جمهوری اسلامی مانند روزنامه "اطلاعات" برای حمله به حزب و رهبری آن و طرح سیاست مذاکره با جمهوری اسلامی از سوی آنان به اندازه کافی گویا و نمایانگر واقعیات مورد بحث ماست.

می‌توانند چنین سوالی مطرح شود که چرا روزنامه "اطلاعات" در بی‌تلاش برای "روشن شدن حقایق" نظر رسمی حزب ما را در مورد انگیزه سردمداران جمهوری اسلامی از نشر کتاب خاطرات نور الدین کیانوری نادیده گرفت و منتشر نساخت و چرا "کیهان هوایی" - بلندگوی یاوه سرا و هتاك رژیم - این بخش از مصاحبه صدر کمیته مرکزی حزب ما را به تیغه قیچی سانسور سپرد.

در برجای ای از زمان، با آغاز تحولات در اتحاد شوروی و آغاز روند "دگرگونسازی" فرصلت مناسبی بدست افراد بی‌اعتقاد و فرصلت طلب افتاد تا با سوءه استفاده از خواست منطقی اکثریت رفقا و سازمان‌های حزبی برای بازبینی سیاست‌های گذشته و دموکراتیزه کردن امور حزب، با علم کردن پرچم "نوسازی"، "علیت" و "دگرگونسازی"، صفوی حزب را چغار اغتشاش و مشکلات جدیدی بنمایند. مدعیان "نوسازی" و "علیت" که از مخالفت رهبری حزب با روند "دگرگونسازی"، با آن شگل و محتوی بی‌در و پیکر، مطلع بودند، از یک سوره‌بری حزب را کهنه اندیش و استالینیست معرفی می‌کردند و از سوی دیگر تلاش می‌کردند تا با رجوع به عناصر فرصلت طلب در حزب کمونیست اتحاد شوروی برای خود "حقانیت" و "قانونیت" بترانشد. قول حمایت همه جانبه از روند "دگرگونسازی" در درون حزب تode ایران از سوی سازماندهندگان "نواندیشی" و "دگرگونسازی" در اتحاد شوروی و پیش‌شهاد تعیین یک رهبری جدید و "نواندیش" هم‌خوان با این تحولات که بطرور ناگهانی در لیست‌های مختلفی در باکو و شهرهای دیگر انتشار یافت بخشی از این تلاش بود که با هشیاری حزب، با شکست کامل روبرو شد، و "لیست بازان" و "لیست سازان" ناگهان زیر پای خود را خالی دیلند. قطعنامه نویسان و طرفداران آنان از حزب می‌خواستند تا تمامی ارگان‌های رهبری، از جمله کمیته مرکزی را محل اعلام کنند و به جای آن لیست افراد پیش‌نہادی حضرات را به عنوان تعیین کنندگان سرنوشت حزب یا به عبارت دیگر که پدر خوانده‌گان آن بپذیرد. چنین بود تجلی "دموکراسی نوادنده‌انه ای" که حضرات خواهان آن بودند. برخورد حزب ما با این استبداد فکری و وزور مداری آشکار چنین بود که حزب تode ایران با اراده اعضای خود حزب می‌کند و نه با خواست فرصلت طبلان ماجراجو. اگر حزب تode ایران از چنین نسخه‌های مخفی پروری می‌کرد، سال‌ها پیش به انحراف کشیده شده بود و مانند بسیاری گروه‌ها که آمدند و رفتند در گردید بسیاری گروه‌ها که آمدند و رفتند در گردید.

مشخصه اساسی این دروان را می‌توان در کشانه‌شدن ارگان‌ها و سازمان‌های حزبی و خصوصاً ارگان‌های رهبری به برخوردهای مخرب بی‌سراجام و تلاش عده ای بی‌اعتقاد به حزب و حزبیت برای قبضه کردن سکانه‌ای حزب از طریق توطه و تهمت زدن و ساختن انواع و اقسام افسانه‌ها خلاصه کرد. سرپریدگانی افسارگیخته با اینانی از "استاد" حزبی و "نامه‌های" بی‌شمار "اعضای" حزب، به قصد درهم شکن حزب، پا به میدان گذاشتند. البته تمامی این "استاد" مانند همان "سندهایی" که رژیم جمهوری اسلامی قرار بود در تایید "جاسوسی" و "خیانت" رهبری دستگیره شده حزب ارایه دهد، هیچگاه از ذهن مرض و غرض آلد این افراد فراتر نرفت.

با درخواست اکثریت رفقا و سازمان‌های حزبی، برای برگزاری سومین کنگره حزب و پایان دادن به این عملکردهای مخرب، اکثریت حزب خواست بی‌چون و چرای خود را برای بازسازی سیاسی - تشکیلاتی حزب اعلام کرد و بدینسان

کارگران ایران هر روز بیشتر به ضرورت ایجاد تشکل های مستقل برای دفاع از منافع خود پی می برند

«دفاع و صیانت از حقوق کارگران در سایه انسجام و تشکل مبיסر است. و اگر هم اکنون شاهد تضییع حقوق کارگران برعی واحدها هستیم، این به دلیل عدم وجود تشکل کارگری در آن واحدها است». وی یکی از «ویژگی های تشکلات کارگری» را «ارایه اطلاعات و آگاهی به کارگران» دانست و گفت: «کارگران تنها در سایه انسجام و آگاهی می توانند از حقوق خود دفاع کنند».

اما گویا ترین غونه در این رابطه، انتقاد غایبینه خانه کارگر بپیراحمد از عدم ایجاد تشکل های کارگری در صنعت نفت گچساران است. داریوش مرادی، غایبینه خانه کارگر در استان کهکیلویه و بویراحمد، در یک مصاحبه اختصاصی با نشریه «کار و کارگر» (۳ بهمن ۷۷)، می گوید: «عدم آگاهی کارگران نسبت به قانون کار و تشکیلات منسجم در کارگاهها باعث گردیده که در اکثر مواقع کارگران به حقوق حقه خود دست نیابند...». وی سپس لبه انتقاد خود را متوجه وضعیت کارگران شرکت نفت می کند و می گوید: «مسایل و مشکلات کارگران صنعت نفت بیشتر از سوی مستولین این شرکت می باشد که باعث گردیده کارگران به ناحق حقوقشان پایمال شود و از کار اخراج گردند». بنا به گفته وی: «آخر اکارگران صنعت نفت گچساران اقدام به تشکیل هیئت مؤسس انجمن صنفی نمودند که متساقنه مستولین آن منطقه [بطور] غیرقانونی و خلاف ... سعی دارند که از ایجاد تشکیلات قانونی کارگران جلوگیری نمایند».

آنچه که در گفته های مرادی از اهمیت بسیار برخوردار است این است که مستولان رئیم، ۱۵ سال پس از انقلاب، هنوز از ایجاد تشکل های کارگری در صنعت نفت، حتی به صورت محدود آن، وحشت دارند. این که صدای اعتراض به این عملکرد رئیم نه از سوی خود کارگران صنعت نفت، بلکه از زیان غایبینه خانه کارگر استان کهکیلویه و بپیراحمد شنیده می شود، علاوه بر نشان دادن شدت سرکوب ضد کارگری در صنعت نفت، حاکی از درجه همبستگی کارگران سراسر ایران با یکدیگر، و آگاهی روزافزون آنان از ضرورت ایجاد تشکل های مستقل کارگری در دفاع از منافع همه کارگران و زحمتکشان میهن است.

محدود همین شوراهای اسلامی کار نیز جلوگیری می کنند. یک غونه از چنین اقداماتی، عملکرد گستاخانه اخیر مدیرعامل شرکت «پیام» در تهران است که از ورود اعضای کانون شوراهای اسلامی کار محور شرق تهران به محل جلسه جلوگیری می کند و آنها را وادار می سازد که جلسه کانون شوراهای اسلامی کار را، که در آن غایبینه وزارت کار نیز شرکت داشته است، «در مقابل درب ورودی این شرکت تشکیل» دهند!

تشدید فزاینده فشارهایی از این قبیل، همراه با درک این واقعیت که مستولان رئیم هر روز بیشتر از منافع کارگران و زحمتکشان فاصله می گیرند و با سرمایه داران داخلی و بین المللی هم صدا می شوند، کارگران میهن ما را به طور فزاینده ای به ضرورت تشکل و سازماندهی مستقل مبارزات خود آگاه ساخته است. از همین رو است که ما امروز شاهد طرح هرچه عنانی تر شعار ضرورت ایجاد و تقویت تشکل های کارگری و شرکت هرچه مستقیم تر کارگران در تعیین سیاست های دولت، از سوی رهبران جنبش کارگری در کشور هستیم. به عنوان مثال، دانشور، غایبینه کارگران در شورایعالی کار که وظیفه قانونی تعیین حداقل دستمزد کارگران را بر عهده دارد، عدم شرکت مستقیم و فعل جنبش کارگری در این روند را یکی از دلایل اصلی عقب نشینی شورایعالی کار در برابر سرمایه داران می داند. وی می گوید: «در جلسات شورایعالی کار تنها غایبینه ... وزارت خانه ها شرکت غوده و بجای ارایه راه حل های اساسی برای تقویت قدرت خرید کارگران در دوران سازندگی، موضوع افزایش دستمزد را از دیدگاه تنگ نظرانه خود مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و بیشتر به دنبال راه هایی جهت اخراج کارگران تحت عنوان واژه غلط تعديل نیروی انسانی هستند». وی تنها راه حل را «همانگی» بیشتر شوراهای اسلامی کار در رابطه با این گونه «مجتمع عمومی» و «ارجاع مشکلات واحدها به مستولین» می داند.

در مجمع انتخابات انجمن صنفی کارگران شهرداری منطقه ۱۲ تهران نیز که اخیراً برگزار شد، اسدی، مستول آموزش خانه کارگر، ضمن تاکید بر اهمیت تشکلات کارگری گفت:

فشارهایی که این روزها بر اثر و خامت اوضاع اقتصادی در کشور و تشدید تورم و بیکاری ناشی از آن به کارگران و زحمتکشان میهن ما وارد می شود، روز به روز آنها را نسبت به نزوم شرکت فعال در عرصه مبارزه اقتصادی و سیاسی علیه رئیم حامی سرمایه داران و دفاع از حقوق خود آگاه تر می سازد. آنان، که در مراحل آغازین انقلاب، تحت تاثیر شعارهای داغ رهبران، رئیم حاکم را حامی و مدافع خود تصور کرده و به همین دلیل از مبارزه برای ایجاد سازمان های صنفی مستقل برای خود دست کشیده بودند، اکنون به طور فزاینده ای به ضرورت چنین کاری پی می برند. شوراهای اسلامی کار، که در ابتدا از سوی رئیم به عنوان «جانشین های مجاز» برای سندیکاها و سازمان های مستقل کارگری ایجاد شدند، با وجود همه محدودیت هایشان، به شکلی فزاینده به ایزار مبارزات صنفی کارگران علیه کارفرمایان و رئیم حامی آنان بدل شده اند. گلایه های مستولان رئیم و مدیران کارخانه ها از تشدید پیکارجویی شوراهای اسلامی کار خود گواهی بر این واقعیت است. به عنوان غونه، قبری، مدیر اداری شرکت تولیدی تهران، با غم و افسوس بسیار می گوید: «متاسفانه نورانیت و معنویتی (!) که لازم است در شوراهای انجمن ها که از پیشگامان مبارزه بوده اند و در رابطه با انقلاب در حد توان خود کار کرده اند کم رنگ شده و در حال حاضر شوراهای بیشتر در رابطه با مسایل صنفی کار می کنند... این وضعیت متأسفانه به خاطر باور نکردن ادراکات جامعه کارگری و برخوردهای غیر اصولی مدیرانی است که جبهه ای بوجود آورده اند که ما بیشتر به مسایل صنفی فکر کنیم». قبری سپس به شوراهای اسلامی کار چنین اندرز می دهد: «شوراهای انجمنها زمانی خواهند توانست به تبیین اهداف الهی (!) خود در جوامع کارگری دست یابند که تقوی را پیشه خود ساخته (!) و عارف (!) به احکام و قوانین مرتبط به امور کارگری باشند». !!!

اما همه سرمایه داران و مزدوران دولتی آنها مثل آقای قبری به «لالایی الهی» خواندن در گوش کارگران بسته نمی کنند. امروز هم کارفرمایان و هم سردمداران رئیم به شکلی سازمان یافته از تشکیل و فعالیت

فراخوان همبستگی با مردم آفریقای جنوبی

ترقبیخواه جهان موظفند که با همبستگی فعال با نیروهای طرفدار صلح و آزادی در آفریقا به این روند پاری رسانند. انقلابیون آفریقای جنوبی به کمک تک تک ما از جمع اوری کمک مالی برای پرداخت هزینه های کارزار انتخاباتی تا شرکت مستقیم در این کارزار نیازمندند.

حزب توده ایران ممه اعضا، هواداران و سازمان های حزبی در سراسر جهان را فرا می خواند تا سرحد امکان خود در امر مهم همبستگی با مردم آفریقای جنوبی فعالانه شرکت نمایند. ما همه نیروهای مترقبی کشورمان را فرا می خانیم تا با کمک مالی به صندوق های ویژه انتخابات کنگره ملی آفریقا سهم خود را در این مبارزه حیاتی و مقدس ادا نمایند.

با تزدیک شدن موعد نخستین انتخابات آزاد و دموکراتیک در آفریقای جنوبی ۷ آردیبهشت ماه ۱۳۷۲، وضعیت خطیر و ویژه ای در این کشور در حال شکل گیری است. خطر از هر سو این روند را تهدید می کند. افراطیون نژاد پرست، نیروهای دست راستی و ... کشور را به جنگ داخلی و خونریزی باز هم بیشتر تهدید می کنند. جنبش ضد آپارتاید به رهبری کنگره ملی آفریقا، حزب کمونیست آفریقای جنوبی و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری با بلوغ و پختگی سیاسی تمامی نیرو و توان خود را برای انجام موفقیت آمیز این روند بسیج کرده اند. برای تضمین پیروزی اراده مردم و برگزاری دموکراتیک انتخابات، نیروهای

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که کنترل بی حد و مرزی بر سیاست های اقتصادی و مالی آن دارند، عملاً تقض شده است.

گرچه مکریک در عرصه بین المللی به عنوان یک کشور دموکراتیک معروفی می شود، ولی این امر با حقیقت هیچگونه مخواهی ندارد. یک گزارش که از سوی مراکر معتبر حقوق بشر بین المللی منتشر شده است بطور مبتند فاش می کند که در اولین سال حکومت پرزیدنت سالیناس (رئیس جمهور فعلی که در ۱۹۸۸ به قدرت رسید) حقوق ۱۱۲۸ دهقان و ۴۵۹۷ شهریور دیگر تقض گردیده است. در سال ۱۹۸۹ بیش از ۸۰ دهقان و ۵۲ شهریور دیگر توسط پلیس و نیروهای شبه نظامی مرتبیت با دولت به قتل رسیدند. فساد گسترده ای انتخابات سال ۱۹۸۸ را در برگرفته بود.

جنیش دهقانی زاپاتیستا وضعیت کشور را ب پرده نشان می دهد. علی رغم کارزار دروغ پردازی و پخش اطلاعات نادرست توسط دولت سالیناس درباره اهداف جنیش و ادعای دولت مبنی بر اینکه این فقط یک درگیری قومی محدود می باشد، قبول طرح ماله عدالت اجتماعی، مساله ارضی و نیز انتخابات عادلانه در مذاکرات، حکایت از امکان بالقوه جنیش دارد.

رهبران جنیش آزادیخیش ملی زاپاتیستا می گویند که آن ها ده سال در تدارک این مبارزه بوده اند. آنها در ابتداء سعی نموده بودند که از طریق گفتگو و شیوه های مسالمت آمیز به خواسته های خود برستند ولی دولت مرکزی توجهی به خواسته های آنها ننموده است.

استراتژی آنان اکنون پاشاری برای انجام رiform های پایه ای است. آنها در بیانیه خود می گویند: «ما برای گذایی نمی رویم. ما به دنبال صدقه باقیمانده های سفره غذای ترومندان نیستیم». آنها اخطار می کنند: «اگر دوباره دروغ به دهان قدرتمندان بازگردد، صدای آتش ما دوباره سخن خواهد گفت».

*** *** ***

مکریک: جنبش مردمی مبارزه...

سیاست درهای باز دولت بازار کالاهای کشاورزی بومی را شدیداً راکد نموده است. در حالی که بخش وسیعی از کشاورزان مجبور به رها کردن زمین های خود می شوند و دهکده های کشاورزی به ویرانه تبدیل می گردند، وارد کنندگان کالا سودهای کلان به جیب می زندند.

آنچه که بر کشاورزان خرده پا و دهقانان در مکریک می گذرد بی شbahت به وضع دهقانان ایران نیست البته نیاید فراموش کرد که این تنها کشاورزان نیستند که مورد ستم و اجحاف قرار دارند. همانند ایران مکریک را نمی توان با استانداردهای ویره یک کشور جهان سومی سنجید. اگر ثروت ملی کشور بطور عادلانه و متساوی بین مردم تقسیم شود، مردم از بسیاری از کشورهای جنوب ثروتمندتر هستند، در حالیکه حتی محافظه کارترین ارزیابی ها براین دلالت دارند که بیش از ۳۰ میلیون نفر مکریکی زیر خط فقر زندگی می کنند، شروت ۳۵ خانواده ثروتمند مکریک معادل دارای ۱۵ میلیون نفر از کم درآمدترین مردم کشور برآورد شده است.

درآمد اصلی مکریک از نفت و نیز انعقاد قراردادهایی برای انجام بخشی از تولیدات صنعتی ایالات متعدد و کانادا در این کشور، عمدها در خدمت شرکت کنندگان کوچک و متوسط نابود شده و فقط پیش پیش می شود که در ۵ سال آینده ۴۰ درصد دیگر تولید کنندگان کوچک و متوسط نابود شده و فقط در صد صنعت مکریک فعال باقی بماند. در حال حاضر ۷۰ درصد تجارت خارجی مکریک با ایالات متحده آمریکا است و اگر گسترش فقر و افزایش بدھی های مکریک را در سالیان اخیر مبنای ارزیابی قرار دهیم فقط این نتیجه را می توان گرفت که روابط تجاری و اقتصادی نابرابر و ظالمانه در جهت اضمحلال استقلال سیاسی و اقتصادی مکریک عمل نموده است. مکریک یک قرض خارجی ۱۰۶ میلیارد دلاری دارد که تا سال ۱۹۸۵ ۱۰ جهت پرداخت بهره و هزینه های خدماتی آن ۳۶ درصد درآمد ازیزی کشور را می بلعید. در سالهای اخیر این درصد بیشتر شده است. تولید خالص ملی در حال کاهش است. بین سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۰ تولید خالص ملی فقط ۱/۵ درصد فزونی داشته است. این وضعیت ناهمجوار و واپسگردی روز افزون مکریک به ایالات متحده هرگونه فرارداد اسارتیاری را به دنبال داشته است. تی لی، از صاحب نظران انتیتو سیاست های اقتصادی در واشنگتن اظهار می دارد: «حقیقت این است ارزشی که کانادا و مکریک برای رابطه شان با ایالات متحده قابلند همتر از ارزشی است که با ایالات متحده برای مکریک و کانادا قابل است. در واقع تمام امتیازات را مکریک داده است».

درست بدليل عوایق این سرسردگی سیستم حاکمه مکریک به آمریکا است که مردم این کشور نظری دیگر کشورهای آمریکایی لاتین از تقض حقوق بشر بطور سیستماتیک رنج می برند و بدليل تقلب های انتخاباتی اختیاری در تعیین سرنوشت سیاسی کشور ندارند.

حزب حاکم P.R.I. که از سال ۱۹۲۹ در قدرت بوده است یک حزب دیکتاتوری وابسته به امیریالیسم است که سیاست های برنامه ای آن منکری به ایالات متحده است. استقلال اقتصادی مکریک توسط

چیپاس، مرکز اصلی قیام اخیر، فقیرترین منطقه مکریک است که در آن ۷۷ درصد کودکان از سوم تنデیه رنج می برند. ۶۰ درصد مردم این منطقه در فقر مطلق بسرمی برند. مشکل عمده در چیپاس عدم برابری در مالکیت زمین های از قابل کشت و حاصلخیز است.

البته فقر فقط منحصر به چیپاس و یا مناطق بومی نشین نیست. ۴۱ میلیون نفر از مردم مکریک آستانه و زیر خط فقر زندگی می کنند و ۱۷ میلیون نفر در فقر طاقت فرسا بسرمی برند. بین سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۸ تعداد بیکاران از ۲ میلیون به ۸ میلیون نفر افزایش پیدا کرد. در همین دوره اشتغال کاذب و غیر محفوظ ۱۵ میلیون نفر را شامل می شد.

در طول بحران اقتصادی ابتدای دهه ۱۹۸۰ میزان واقعی دستمزدها شدیداً کاهش پیدا کرد.

براساس یک گزارش آکادمیک در بین سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۹۰ فقط ۱/۳ میلیون محل کار ایجاد گردید در حالی که در همین دوره به جمعیت فعال کشور ۱۰ میلیون اضافه شده است. بسیاری از کارهای ایجاد شده در کارخانه هایی است که در مجاورت مرز مکریک با ایالات متحده تأسیس گردیده اند که با استفاده از نیروی کار از رسان و غیر متشکل مکریکی منحصرا برای بازارهای آمریکای شمالی تولید می نمایند.

پیوستن مکریک به موافقنامه نفتا نیز به معنای از بین رفن حدود ۱۵ میلیون هکتار زمین کشاورزی در سال های آینده خواهد بود. براساس یافته های سرگیو زرمونا از هنگامی که مکریک در سال ۱۹۸۵ به قرارداد گات (موافقنامه عمومی در مورد

اطلاعیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست عراق

ترفند جدید رژیم جنایتکار صدام حسین برای اعدام مخالفان

بر اساس اطلاعیه ای که از سوی هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق انتشار یافت، اعلام شد که رژیم جنایتکار صدام حسین هشت تن از آزادبخوانان این کشور، از جمله اعضا و هoadاران حزب کمونیست عراق را اعدام کرده است. در این اطلاعیه گفته می شود که "اداره امنیت عمومی" رژیم اعلام کرده است که هشت تن را به جرم "قتل، جنایت و دزدی" دستگیر و در یک دادگاه ویژه به اعدام محکوم کرده است. بر اساس اطلاعیه هیئت سیاسی حزب کمونیست عراق: "این افراد نه تنها مرتکب جنایت و دزدی نشده اند، بلکه در واقع مخالفان سیاسی رژیم و از جمله اعضا و هoadاران حزب کمونیست عراق بوده اند... تعدادی از این افراد دو سال پیش دستگیر شده بودند و برخی از آنان نیز مدتها قبل بر اثر شکنجه های وحشیانه به شهادت رسیده بودند... حزب کمونیست عراق از همه سازمان های حقوق پسر در جهان می خواهد تا ضمن افشاء جنایات اخیر رژیم پرده از سیمای واقعی جنایتکارانی که مردم این کشور را کشته می کنند بردارند...".

حزب توده ایران این عمل جنایتکارانه رژیم صدام حسین را شدیداً محکوم می کند و همبستگی رزمجوابانه خود را با مبارزه مردم عراق و نیروهای آزادبخوان این کشور، خصوصاً حزب برادر، حزب کمونیست عراق اعلام می دارد.

دیدار هیئت های رهبری حزب کمونیست عراق و حزب توده ایران

نایابنده هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران و رفیق حمید موسی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق در دیداری رفیقانه پیرامون آخرین تحولات منطقه، روابط دو حزب، پنجمین گنگره ملی حزب کمونیست عراق و سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران تبادل نظر و گفتگو کردند. رفیق موسی در این دیدار منذر گردید که: پنجمین گنگره ملی حزب کمونیست عراق گام مهمی در راستای توسعه و انسجام حزب در شرایط دشوار مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری صدام حسین بوده است. این گنگره توانسته است صفو حزب را پیش از پیش انسجام بخشیده و راه را برای تشدید مبارزه دیکتاتوری بگشاید. پنجمین گنگره ضمن تاکید بر ادامه مبارزه دیکتاتوری بگشاید. پنجمین گنگره علیه رژیم دیکتاتوری حزب برای حقوق کارگران و زحمتکشان عراق، شعارهای نوینی را برای تجیهز هرچه بیشتر خلق در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری تدوین کرده است. مهمترین این شعارها در کار شعار سرنگونی رژیم صدام، شعار "پایان دادن به محاصره اقتصادی خلق" است که در سال های اخیر پس از پایان جنگ دشواری های طاقت فرسایی را برای اکثریت مردم این کشور به بار آورده است.

ادامه در ص ۳

مکزیک:

جنبش مردمی مبارزه برای اصلاحات بنیادی



را از دست نمایندگان دولت مرکزی خارج کرده اند و در ۱۰ شهر دیگر هم احتمال وضعیت مشابه وجود دارد. این واقعیت حاکی از آن است که جنبش توده ای در مکزیک مبارزه ای همه جانبه به خاطر اصلاحات پایه ای دموکراتیک بوده و اعتباری گسترده بدست آورده است. بخشی از مشکل اجتماعی در مکزیک ریشه در روابط بس ظالمانه بین زمینداران بزرگ، که کنترل حاکمیت دولتی را در دست دارند، و دهقانان زراعتکار، دارد. به موجب گزارشی که در سال ۱۹۸۰ منتشر شد ۴۲ میلیون هکتار از مرغوب ترین و حاصلخیزترین اراضی در مالکیت ۱۰۰۰ زمیندار می باشد. گزارش دیگری که در سال ۱۹۹۰ منتشر گردید نمایانگر این حقیقت است که ۴۱٪ از ۱۲ میلیون کشاورز خوده پا در روستاهای هیچگونه درآمدی ندارند. براساس بررسی های فرانسیسکالاکونا، اقتصاد دان مکزیکی، بطور متوسط هر روز ۸۲۱۹ دهقان بدليل فقدان سرمایه و امکان عملی کشت زمین های خود را رهایی می کنند و به حاشیه شهرها و یا دیگر کشورهای منطقه مهاجرت می کنند. ۴۷٪ درصد از جمعیت فعال یا بیکار هستند و یا در گیر اشتغال کاذب و غیر مکلف می باشند و فقط ۱۵ درصد از ۵ میلیون کارگر کشاورزی شغل دائمی دارند.

ادامه در ص ۷

در پی مبارزه خونین سه هفته ای که از اولین ساعات سال جدید مسیحی شروع شده بود و متعاقب آتش بس شکننده روز ۲۷ دی ماه، از روز دوشنبه دوم اسفند ماه مذاکرات بین دولت و رهبران جنبش دهقانی مکزیک بر سر خواسته های آنان آغاز گردید.

در بیانیه ای که از سوی ارتش آزادیخواهی زاپاتیستا در این باره صادر شد گفته می شود: «ما به طلب آنچه که عادلانه و حق است یعنی آزادی، عدالت و دموکراسی برای همه مردم ادامه می دهیم». علی رغم لحن صریح اعلامیه ها و اظهار نظرهای رهبران قیام در توضیح اهداف وسیع و فراگیر مبارزه، اغلب تحلیل گران مطبوعات و ارگان های ارتباط جمعی راست و سویا دموکرات از پرداختن به ریشه های واقعی این خیزش ناگهانی خشم توده ای چشم پوشیده اند. در حالی که همه تصاویر و اظهار نظرها درباره این جنبش بطور درست سعی در نمایش این رخدادها بعنوان خیزش مسلح یک اقلیت قومی زیرکنترل نیروهای افراطی و دامن زدن به نوعی هیتری علیه آن داشته اند، این حقیقت که قیام دهقانان در چهارپاس تنها یک جبهه از مبارزه توده های مکزیک علیه فقر، سرکوب و غارت منابع طبیعی کشورشان توسط امپرالیسم آمریکا بوده است بفراموشی سپرده شده است. در ماه های اخیر توده های خشنگین مردم کنترل ۵ شهر

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

NO ; 423

March 15 , 1994

نامه

مردوم